

(٦) نهادت نماینده های نهادهای ایالتی و آذربایجان  
نهادهای تکمیلی کارخانه های عجله های روزانه آن ایالت  
نهادهای خود را ایجاد کرده اند و موقتاً مقداری  
نهادهای خود را ایجاد کرده اند و موقتاً مقداری

بیاناتی از نوار از مردم کشیدم برای تنه را افغانستان را که با این مشکل می

نیز پولکارنیج کی خواہی نہیں تھیں۔ ملکاں کے ۹۰٪ پولکارنیج کی تحریر و منظہ انجمنیاں تھیں۔

نیز همانند این مقاله نوشته شده است که در آن این ایده را معرفی کردند.

# میادی فلسفه تاریخ

بـ ۱۲) نـ ۱۰) اـ ۹) بـ ۸) اـ ۷) بـ ۶) اـ ۵) بـ ۴) اـ ۳) بـ ۲) اـ ۱)

علمت.... ارجاع مینماید. (۱) واکر بخواهیم معنی عمومی کلمه مذکور را در

نظر بکثیر یعنی باید بگو چیم دهتر ایندیشها مفهوم عمونه‌ی این اقتراچشی را تغییر

میکنند ده قر هیپیزم هش رو دن بله چیز است به چیز دیگر !

۱۵۰۰ قن میغیریز م یک جهاده عیار است از هیئت مجمو عه شرو طی است

که آن را بروج و دمی آرد و قنی این کلمه با اذعان علماء فلسفه و بالآخر آنایی که در

موضو عات فلسفی مطا لعه دار ند مو اجه میشود دو نظر به فلسفی بفکر آنها خطور

میکند که یکی از آن همان معینیت میباشد که در علوم تجربی از آن کار هیچکیر نداشته باشد.

زدیگر نظریه پسیکولوژی است که با مطابق فکر این اشخاص ده تر هنرمند

در هوارد معینیت عبارت از تسلسل و تعاویف حوادث در موارد پلیسیکولوژی

آن مجبور است انسان را بدل آی؛ اجرایی او اصرار دنیوی در بر دارد. همچنان که لاجوح تنبیه کا

طوریکه او گوشت کوت مو سل مدرسه فلسفه انباتیه میگوید هر علم

علم دیگر یکه قبل از آن بوجود آمده باشد اتفکاء میتماید و تر مینیزم هم

روام ترقی و تکامل احصائیه و هر دوی ان برای تطبیق قسمت جدا و مترافقه اند.

لشمه علميه خدمات فابل تقديری هيتمايد چه از او قاتيکه با کون ها و سپنسر ها

رسورات میل ها و اهمال ایستان حواسمند فرمیت تطبیعی را وسعت داده فلسفه

(۱) این مبداء یکی از مبادی عقلی است مفهوم مذکور این است که میگویند هر حادثه سببی دارد و هر گونه اسباب و عمل که یکباره موجب بروجود آن وزدن یک چیز شود اگر بلافاصله همان هیل نکرار شود مکر را همان حادثه را بروجود می آورد.  
دری

و بین ای تطبیق نظر بات منطقی با علوم و بالنتیجه ایجاد علوم جدید رشت سر هم اصولاتی وضع کردند که هر کدام مؤید ده تر میخیزد و احصائیه میباشد این است که جهت نمونه و این که توانسته را شیم مثل قسمتهای گذشته سلسله باحت خود در جه از تباط اصولات مذکوره را که در حکم اصول معاونه در تاریخ آنکاری است بقدار نین عزیز طور نمونه عرضه بداریم به ترجمه و نقل جداولی هن تیه ستورات میل که از جداول علمای دیگر من جح فراست می برد ازین صفحه از فلسفه علمی ستورات میل! سقو رات میل که ریکی از فلاسفه و علمای زیر دست انگلیس در قرن اخیر است برای علوم تجربی و درک حقیقت حوادث علوم جدید چهار اصول را قائل شده است باین صورت .

۱ - اصول توافق : *که در همه موارد میتوان از این توافق استفاده کرد*  
 ۲ - اصول تناقض : *که در همه موارد میتوان از این تناقض استفاده کرد*  
 ۳ - اصول تحویلات هترافقه : *که در همه موارد میتوان از این تحویلات استفاده کرد*  
 ۴ - اصول مسائل پاقیه : *که در همه موارد میتوان از این مسائل استفاده کرد*  
 این است اصولات موضوعه اربعه ستورات میل که جهت تاسیس علوم تجربی وضع نموده است که این همانی هر کدام آن از لغت های عربی و فرانسه مذکور آن که بالمقابل هم نوشته شده فهمیده میشود ام اتش بیج و تفصیل اینکونه مسائل علمی برای همچو بیک مجیط جوا نیکه میخو اهد در از ایقاظ هر بیان بز و ک خود مسائل جیانی را از روزنه معقولات و تجربیات که اساس علوم جدیده است نقادی نماید که لازمه و اهمیت را دارد این است که بنده هم بسائله همین آرا لازم هیدام اصولات مذکوره را بگان شرح و تفصیل داده نشان بدهم که هر کدام آن تاچه درجه در راه احصائیه و رو به مرفته برای تعین عمل و اسیاب حوادث اجتماعی که اصول تاریخ آنکاری عصر حاضر همان انسکاء دارد خدمت مینماید .

### اصول توافق

ذوبعه این اصول معلوم میگذند که بیک حاده اجتماعی در وقت چقدر عوامل رو میدهد؟ و کدام این عوامل در اثای طهور حاده مذکوره موجود بوده بعد از آن که از این نیرو و حاده هم عجو نمیشود؟ کویا این اصول با انسان نشان میدهد که

فلان کویه عامل مستوجب فلان نوع احاده است مثلاً وقتی بنا باشد علت تصاعد صوت بالایه شود می بینیم که مذا هم از حنجره و هم از سیم های طنبور و حتی از اصطکاک برگ های درختان و ... هست. علت تصاعد می شود پس آباد کدام علت مشترکی دارد وجود دارد که سبب بر آوردن مذا می شود؟ آباد برگ های حنجره داشت که باعث بروز ریزبان دارد؟ دیده می شود که نه انسان تابع عوامل شبیه به سیم های ساز باطنیبور ریزبان دارد؟ که هر احتیاط دارند پس اوصاف مشترکی که در تمام آن ها توافق ندارند و نه برگ و سیم های حنجره دارند پس اوصاف مشترک کی که در هر قسم از این اتفاقات مشترک باشند؟ همان انتزاعی است که در هر سه و وجود دارد لهذا با این نتیجه میراثیم که هر انتزاعی می توجه صوت است.

### اصول تناقض:

در بعضی اوقات چنین هم می شود که اصول توافق بتواند همسایه را کند و حاده باهم دارند پیدا کند ممکن است این توافق علت حقیقی را در برآورد کند چه اکثر چنین هم واقع می شود که یک نفر اسلام مناسبی در بین دو حاده بیدا می کند ولی نمی فهمند که علت کدام و معلول چیست؟ و حتی مشتبه می شود با اینکه میداد هر دوی این حاده نتیجه حاده دیگری باشند که قاحال بفکر او خطوط را کرده است پس در این جهان چنین کورهای چیزی را که علت میدارد رفع کرد حاده و نتیجه را در حال خود را فقی می کنند و هم می شوند اگر در اثر طرد علت در حاده و نتیجه خلملی روداد و باباکلی از بین رفت در آن حال هتیقن می شود که علت مذکور یک علتی حقیقی برای حاده و نتیجه موصوف بوده است؟ مثلاً بخواهیم ادعا کنیم که در فضای معملاً از هوای نسبی و قرنی اجسام متفاوت الثقلت سقوط کند می بینیم در کدام آن ها بر طبق نقلتی که دارند هدت های مختلفی را از همان سقوط الی رسیدن بزمین فرا می کنند پس اگر علت آن از ما پس بیند شود میگوئیم علت اختلاف مدت فرود آمدن در اجسام متفاوت الثقلت مقاومتی است که اجسام مذکوره با هوا مینهایند لهذا برای تجربه و تصدیق نظریه مذکور بر طبق اصول تناقض اجسام مذکور را از جهانی سقوط می بینیم که هوا نباشد همی بینیم که در رسیدن آنها به مقام دیگر اختلاف در مدت و رودرو نمی دهد

پس مقیقون میشویم که علت همان مقاومت هوا بوده است، عین همین مثال را میتوان از مطالعه حوادث اجتماعی در زندگانی جماعت های بشری یا در نظر گرفتن عوامل موضوع هم منطبق نمود و برای اینکه هر فرد از روی مشاهدات تجربیات خود اظطرایین را در حیات خود بکشید دیده و من بینند البته محتاج با برآد مثال آیستیم.

### اصول تحولات مترافقه

و فتن علماییک حادثه اجتماعی را زیر مطالعه و تحقیق قرار میدهد امکان دارد در حقیقت همان حادثه که مورد تحقیق میباشد تحول گند پس اگر از شرائطی که با حادثه مذکور را داده بودهم به تبع حادثه موصوف تحول اکرد میتوان حکم نمود که آن شرط متغوله عین حادثه میباشد که مورد تحقیق است مثلاً درینکی از قضایای اجتماعی مثل کثیرت ازدواج در یک‌ال میخواهیم تحقیق نموده علت آن را در بابیم درینجا برای این امر در از خود سه علت میتراثیم یکی که ملیت امنیت و رفاه در زندگانی اجتماعی دیگری بهتری اوضاع اقتصادی سومی طهور کثیرت بلوغ در همان سال از این دو گان است پس برای اینکه بفهمیم کدام یکی از عمل زیاده‌تر دخیل است هر کدام را بگان یگان از محل تجربه میگذرانیم میبینیم که در فلان سال چون اوضاع زراعتی و تجاری و علوفه دیگر اقتصادی خوب بود و هر دم اقتصاداً مرده بودند ولی امنیت و طمانتی سیاسی وجود نداشت و بالمقابل آن طور یکه از احصائیه فهمیده میشود عدد نوبالغات هم در همان سال زیاد بود درین جای بیشید علت اقتصادی از بین رفت باقی عائد دولت دیگر امنیت و کثیرت بلوغ درین هور دچه میگشیم؟ رجوع میکنیم به احصائیه یک‌ال دیگر یکه درین این دولت اختلافی در آن سنه وجود داشته باشد می بینیم که در آن سال (مثلاً) چون عدد بلوغ آنقدر زیادتر نیکرده بود ولی امنیت وجود داشت پس استدلال میکنیم که علت یگانه کثیرت تا هل و ازدواج زیاده تراز عمل اقتصادی کثیرت بالغین و امنیت و طمانتی سیاسی و اجتماعی میباشد.

باقی در آینده (م. قدیر ترکی)